

عملیات نظامی در جبهه جنوب پس از آزادی خرمشهر تا پایان جنگ^۱

منظور از منطقه عملیاتی جنوب در این مدرک، مناطق غربی استان خوزستان و مناطق مقابل آن در خاک عراق می‌باشد.

در این مدرک آموزشی، عملیات آفندی گسترده در جبهه جنوب که با هدف کسب پیروزیهای سرنوشت‌ساز و تعیین کننده، از پایان سال دوم جنگ تا پایان جنگ در سال هشتم اجرا گردیدند مورد بررسی اجمالی قرار گرفته‌اند که عبارتند از:

پایان سال دوم جنگ	* عملیات رمضان
در سال سوم جنگ	* عملیات محرم
در سال چهارم جنگ	* عملیات خیبر
در سال پنجم جنگ	* عملیات بدر
در سال ششم جنگ	* عملیات والفجر ۸
در سال هفتم جنگ	* عملیات کربلا ۴ و ۵

برای مطالعات پژوهشی و تفصیلی عملیات فوق‌الذکر و سایر عملیات انجام شده، نیمه گسترده و محدود که در این نشریه فقط به تعداد آنها در هر سال اشاره گردیده است دانشجویان عزیز می‌توانند به کتاب‌های مربوطه مراجعه فرمایند.

بخش اول - عملیات رمضان

مقدمه:

پس از عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر (سال دوم جنگ ۶۱/۳/۴) رژیم بعثی عراق با اعلام آتش‌بس یک‌طرفه، ظاهراً خواهان پایان عملیات نظامی و آغاز مذاکره بین دو کشور گردید. این اقدام عراق موجب واکنش‌های متفاوت و گاهاً متضاد در محافل سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی شد و حتی امروزه نیز مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد که آیا بهتر بود که

۱. به قلم: سرتیپ ۲ مسعود بختیاری

همان زمان به عملیات خصمانه نظامی پایان داده شود و یا جنگ تا شکست کامل رژیم بعثی عراق ادامه می‌یافت.

نتیجه گیری از بحث مزبور نیازمند بررسی عمیق کارشناسانه از وضعیت و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور در آن زمان و به خصوص وضعیت از نظر احساسات روانی و انقلابی در ایران است.

در طول جنگ، ایران تحت تحریم‌های نظامی و اقتصادی قرار داشت که تدارکات جنگ، به خصوص تأمین اقلام عمده تجهیزاتی مورد نیاز را بسیار مشکل می‌ساخت و به ویژه انزوای سیاسی، وضعیت را برای ایران دشوارتر می‌نمود. موافقین سیاسی نظامی آتش‌بس، به این موارد استناد کرده و می‌کنند اما از جانب دیگر به نظر اکثر فرماندهان بلند پایه نظامی و مقامات سیاسی پیروزیهای پی در پی و درخشان نظامی ایران در عملیات بزرگ ثامن‌الائمه(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس می‌توانستند پیروزیهای بزرگتر و مؤثرتری را هم به دنبال داشته و متجاوز را هر چه بیشتر در موضع ضعف و انفعال قرار دهد.

همچنین موافقین ادامه جنگ با توجه به اینکه هنوز مناطق زیادی در جبهه‌های شمال غرب و غرب و حتی جنوب در اشغال متجاوز باقی مانده بود و در آن مناطقی هم که دست به عقب نشینی اختیاری زده بود در مواضع و مناطقی از مرزهای مشترک که دارای دید و تیر مناسبی روی مناطق تخلیه شده مستقر گردیده بود لذا می‌توانست از نظر سیاسی / نظامی دست بالا را در سر میز مذاکرات داشته باشد. علاوه بر آن از سایر مسائل مورد علاقه ایران مانند متجاوز شناختن عراق و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت صحبتی در میان نبود و در پرده ابهام قرار داشتند و استدلال می‌شد که پذیرش آتش‌بس، در آن شرایط به تحقق استراتژی و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران منجر نمی‌شود و بالاخره اینکه به اعتقاد فرماندهان نظامی، ماشین جنگی عراق هنوز آماده بکار بود و هر آن می‌توانست تهاجم تازه دیگری را بر علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان دهد. با توجه به این ملاحظات و به ویژه حالت احساسات روانی ناشی از پیروزیهای بدست آمده بود که پس از مدتی بحث و بررسی و مذاکره و تبادل نظر در محافل بالای سیاسی / نظامی کشور مانند شورای عالی دفاع، سرانجام ادامه جنگ تا کسب پیروزی قطعی و شکست کامل عراق برای تحقق اهداف نظامی سیاسی ایران، مورد تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح

حضرت امام راحل «ره» قرار گرفت و بلافاصله طرح‌ریزی عملیات جدیدی در شرق بصره به نام طرح عملیاتی کربلا ۴ که با عنوان عملیات رمضان اجرا گردید در دستور کار قرارگاه مشترک کربلا در جنوب (ارتش - سپاه) قرار گرفت.

عملیات رمضان در واقع ادامه یا تکمیل‌کننده عملیات بیت‌المقدس بود که اجرای آن در عملیات بیت‌المقدس به علت وسعت منطقه، طولانی شدن مدت عملیات، مقاومت شدید دشمن و خستگی و فرسودگی نیروهای خودی در آن عملیات (عملیات بیت‌المقدس) مقدور نگردیده بود.

هدف عملیات رمضان، تصرف مناطق شرق بصره در خاک عراق (از نشوه تا شلمچه) و تهدید بصره (دومین شهر بزرگ و مهمترین بندر عراق) بود که با یک طرح‌ریزی حساب شده و دقیق در ۱۳۶۱/۴/۲۲ (تقریباً دو ماه پس از فتح خرمشهر) آغاز شد. علیرغم طرح‌ریزی مناسب و رشادت و ایثارگری رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و پیشروی چشمگیر در شب اول عملیات که منجر به رسیدن بخشی از نیروهای خودی به نهر کتیبان در شمال شرق بصره گردید اما به علت عدم هماهنگی کامل بین نیروها و بروز پاره‌ای مشکلات در حین اجرا و پاتکهای بسیار شدید زرهی دشمن که با آتش‌های زمینی و هوایی پشتیبانی می‌شد مواجه و به عقب رانده شد و به این ترتیب وصول به اهداف طرح‌ریزی شده پس از پنج روز تلاش مداوم، ادامه تک و فشار به دشمن، نهایتاً ممکن نگردید.

در عملیات رمضان، انهدام وسیعی به دشمن چه از نظر تجهیزاتی و چه از نظر نیروی انسانی وارد آمد و بخشی از نواحی مرزی عراق در حوالی پاسگاه زید در تصرف نیروی خودی باقی ماند.

عملیات رمضان در واقع سرآغاز عملیات برون مرزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و کشاندن جنگ به داخل خاک دشمن به منظور تحمیل اراده بر متجاوز و انهدام میل جنگجویی او به منظور تحقق اهداف سیاسی استراتژیک ایران بود که به هر حال دست‌آوردهای سیاسی و نظامی برای ایران را در برداشت.

پس از عملیات رمضان، جنگ به صورت تبادل آتش بین نیروهای طرفین ادامه داشت و تا پایان سال دوم جنگ (مهرماه ۱۳۶۱) عملیات دیگری در جبهه‌های جنوب رخ نداد.

شایان ذکر اینکه از عملیات رمضان به بعد برخورداری عراق از حمایت‌های همه جانبه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و متقابلاً مشکلات و تنگناهای وسیع لجستیکی و تدارکاتی که نیروهای خودی با آن مواجه بودند، با اتکاء کامل به شهادت طلبی نیروهای بسیجی و روحیه رزمندگی رزمندگان و همچنین تلاش‌های جهاد خود کفایی نیروها و پاره‌ای خریدهای تسلیحاتی مختصری که از بازارهای سیاه بین‌المللی انجام می‌شد قابل جبران تلقی شده و تأثیر سیاست‌های جهانی در سرنوشت جنگ، چندان مؤثر برآورد نمی‌گردیدند.

بخش دوم - جنگ در سال سوم (مهرماه ۶۱ - مهرماه ۶۲)

روند کلی جنگ در سال سوم را می‌توان مشابه عملیات رمضان دانست یعنی خروج از مرز، تعقیب دشمن و بن‌بست و توقف.

پس از عملیات رمضان، حمایت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از عراق در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی شدت گرفت زیرا نگرش قدرتهای غربی و شرقی و همچنین کشورهای منطقه‌ای و به ویژه کشورهای عربی منطقه عدم رضایت از ظهور یک قدرت نظامی جدید در منطقه (جمهوری اسلامی ایران) بود که در پیامد پیروزیهای بزرگ و پی در پی ایران در سال دوم و اجرای عملیات رمضان در خاک عراق ناشی می‌شد.

این حمایت و پشتیبانیهای همه جانبه از عراق، در واقع امکان یک پیروزی سریع، بزرگ و سرنوشت‌ساز در خاک عراق را که جمهوری اسلامی ایران پس از عملیات بیت‌المقدس آن را سهل و آسان برآورد کرده بود مشکل ساخت.

به عنوان یک واقعیت باید اذعان کرد که حمایت‌های بین‌المللی از عراق در توانائی‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران اثر منفی به جای می‌گذاشت.

در سال سوم جنگ (مهرماه ۶۱ - مهرماه ۶۲) عملیات آفندی مشروحه زیرین بر علیه دشمن در منطقه جنوب اجرا گردید.

۱- عملیات محرم ۶۱/۸/۱۰ در منطقه عمومی موسیان که حدود ۳۰۰ کیلومتر از خاک دشمن تصرف شد.

۲- عملیات والفجر مقدماتی ۶۱/۱۱/۱۷ در مناطقی از شرق استان عماره عراق که وصول به اهداف طرح‌ریزی شده مقدور نشد.

۳- عملیات والفجر یک ۶۱/۱/۱۲ در منطقه جبال فوقی در غرب فکه که بخشی از اهداف طرح ریزی شده تأمین گردید.

بدین ترتیب تحقق استراتژی نظامی جمهوری اسلامی با هدف کسب یک پیروزی بزرگ برای خاتمه دادن به جنگ در سال سوم هم میسر نگردید.

شایان ذکر است که در سال سوم جنگ هیچ‌گونه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر نشد. سکوت و بی‌تفاوتی مجامع بین‌المللی و دولت‌ها، در مورد این رخداد خونین و ویرانگر بین دوکشور، مفهوم معناداری داشت و به انزوای سیاسی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی می‌انجامید. در واقع می‌توان گفت که در آن زمان دیپلماسی جمهوری اسلامی با عملیات نظامی در جبهه‌ها همگام نبود.

در سال سوم جنگ برای انجام هماهنگی بیشتر بین نیروهای ارتش و سپاه ابتدا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) به عنوان فرمانده جنگ انتخاب شدند ولی اندکی بعد حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رسماً از سوی امام (ره) به سمت فرمانده عالی جنگ برگزیده شد که تا پایان جنگ این مسئولیت را برعهده داشت و در این رابطه در اوای سال ۱۳۶۲ قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) تشکیل گردید که تا پایان جنگ فعال بود.

در سال سوم شورای عالی دفاع کشور پیشنهاد سپاه پاسداران را مبنی بر اینکه سپاه ارتش به صورت دو قرارگاه جداگانه در مناطق عملیاتی مجزا وارد عمل شوند رد کرد.

در سال سوم جنگ، شوروی (سابق) پس از بهبود یافتن روابط خود با رژیم عراق مجدداً ارسال جنگ‌افزار به این کشور را آغاز کرد و بیش از ۲۰۰ تانک پیشرفته تی - ۷۲ و تعدادی هواپیما میگ ۲۵ و بالگردهای توپدار در اختیار عراق قرار داد.

هم‌چنین دولت فرانسه تعدادی هواپیمای پیشرفته سوپر اتاندارد را در اختیار عراق قرار داد که مجهز به موشک‌های «اگزوست» ضد کشتی بودند که نفت‌کش‌های ایران در خلیج فارس را مورد اصابت قرار دادند و جنگ معروف به نفت‌کش‌ها آغاز شد.

در همین سال، آمریکا نیز یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری را ظاهراً به عنوان خرید غله در اختیار رژیم بعثی عراق قرار داد.

بخش سوم - جنگ در سال چهارم (مهرماه ۶۲ - مهرماه ۶۳)

عملیات خیبر

سال سوم جنگ در حالی به پایان رسید که تلاشهای جمهوری اسلامی ایران برای ورود به عمق خاک عراق قرین موفقیت نشد اگرچه در منطقه شمال غرب، بخشی از ارتفاعات مهم مرزی عراق تصرف گردید ولی تأثیر سیاسی و نظامی این اقدام برای تعیین سرنوشت جنگ و کسب پیروزی بزرگ تعیین کننده نبود. تلاشهای نظامی ایران در منطقه عملیاتی جنوب برای عبور از مواضع دفاعی چند لایه عراق و پیشروی به عمق میسر نگردید. تداوم توقف ایران در پشت دیوارهای پدافندی مستحکم عراق در شش ماهه اول سال چهارم جنگ و صرفاً ایجاد رخنه‌هایی در مواضع نیروهای تأمینی آن و همراه با کاهش نسبی توان نظامی ایران به مفهوم تغییر ماهیت جنگ از حالت «تهاجمی» به «فرسایشی» بود.

عملاً عملیات سال سوم و نیمه اول سال چهارم نشان دادند که بدون «غافلگیری دشمن» و عدم کسب «ابتکار عمل» دستیابی به یک پیروزی بزرگ مانند پیروزیهای سال دوم جنگ امکان‌پذیر نیست، لذا تغییر زمین منطقه عملیات از خشکی به آب (مردابهای هورالهویزه) مورد توجه قرار گرفت زیرا مناطق هور به علت شکل خاص زمین (مرداب - نیزارهای بلند و انبوه) در ادبیات نظامی یک مانع محسوب می‌شود (مانع برای تحرک، گسترش و مانور) و با توجه به ویژگی‌های نظامی هورالهویزه (اختفا، پوشش، استتار) این امیدواری پیدا شد که غافلگیری بر مبنای دو مؤلفه «مکان» و «تاکتیک» امکان غلبه بر دشمن در ساحل غربی را فراهم می‌سازد، زیرا عدم درک و انتظار دشمن از عملیات در هور و عبور نیروی خودی از آن و در نتیجه عدم وجود توان رزمی و توانایی مناسب عراقیها در مناطق غرب هور، دور نمای دستیابی به یک پیروزی دلخواه (قطع محور بغداد - بصره) را نوید می‌داد.

در اجرای این تدبیر، عملیات خیبر طراحی شد که در سوم اسفندماه ۱۳۶۳ به مرحله اجرا درآمد. در این عملیات دو جبهه یا دو محور عمده عملیاتی در نظر گرفته شده بود. محور اول عبور از هورالعظیم و رسیدن به جاده مواصلاتی و بسیار مهم العماره، بصره (جاده اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی) عراق و محور دوم منطقه پاسگاه زید و حسینیه برای تهدید شرق بصره بود.

در جبهه اول (هورالعظیم) نیروهای تکور موفق شدند با پشتیبانی آتش‌های توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی از هور عبور کرده و پا به ساحل غربی آن بگذارند ولی به علت طولانی شدن خطوط مواصلاتی و خارج شدن از برد آتشهای پشتیبانی توپخانه و نداشتن پل روی هورالعظیم (که قبلاً توسط تعدادی از افسران عملیات ارتش هشدارهایی در این موارد داده شده بود) و همچنین مقاومت سرسختانه و پاتکهای بسیار شدید لشکرهای زرهی عراق سرانجام دستیابی به جاده العماره - بصره و قطع ارتباط زمینی بغداد - بصره مقدور نشد ولی رزمندگان ایران توانستند جزایر مجنون (شمالی - جنوبی) را در سواحل شرقی هور، حفظ نمایند.

در زمینه مشکلات تدارکاتی به عنوان مثال تعداد قایق موجود ۴۲ فروند بود در حالیکه به ۲۰۰ فروند نیاز بود. و یا نیرویی به استعداد ۳ گردان از ساحل شرقی هور به ساحل غربی عبور کردند ولی حداقل به ۱۸ گردان نیاز بود.

در جبهه دوم عملیات خیبر (محور شرق بصره) علی‌رغم تلاش گسترده یگان‌های خط‌شکن به علت استحکام مواضع پدافندی عراق که به صورت عالی در چندین رده در عمق سازمان یافته بودند با موفقیت توأم نشد.

عملیات سال چهارم جنگ هم در جنوب که عمده‌ترین آن عملیات خیبر در شرق بصره بود آن نتایج دلخواه را به بار نیاوردند، تشدید حمایت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از عراق و متقابلاً فشارهای سیاسی، اقتصادی و تحریم نظامی بر علیه ایران پس از عملیات خیبر هرچه بیشتر افزایش یافت.

در سال چهارم جنگ شورای امنیت سازمان ملل متحد سه قطعنامه صادر نمود که عبارت بودند از:

قطعنامه ۵۲۲ مورخه ۶۲/۷/۱۲

قطعنامه ۵۴۰ مورخه ۶۲/۸/۹

قطعنامه ۵۵۲ مورخه ۶۳/۳/۱۱

قطعنامه‌های مزبور چون خواسته‌های ایران مانند معرفی مسبب جنگ، تنبیه متجاوز و ... را در بر نداشتند مورد قبول جمهوری اسلامی قرار نگرفتند.

حمایتهای گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی از عراق و متقابلاً افزایش نیروهای مردمی در جبهه‌ها و بالا بودن روحیه رزمی قوای ایران در حقیقت به برقراری نوعی توازن توان بین دوکشور منجر شده و لذا وضعیت فرسایشی سال سوم جنگ ادامه یافت.

وضعیت کلی در سال چهارم جنگ:

۱- عراق برای اولین بار جنگ‌افزار شیمیایی از نوع گاز خردل را در سطح نسبتاً وسیعی بکار گرفت (اگرچه قبلاً در منطقه حاجی عمران به مقداری استفاده کرده بود)

۲- با حمله هواپیماهای عراقی و پرتاب موشکهای ضدکشتی «اگزوست» جنگ نفت‌کشها با هدف ضربه زدن به صدور نفت ایران شدت یافت و جزیره خارک و پایانه نفتی آن مورد حمله قرار گرفتند که البته ایران نیز واکنش لازم را نشان داد.

فشار اقتصادی ناشی از جنگ نفت‌کشها بر ایران شدید بود و صادرات نفت ایران کاهش یافته و بهای هر بشکه نفت به ۵ دلار تقلیل پیدا کرد.

در سال چهارم جنگ، حفظ مواضع پدافندی سرتاسر جبهه‌های نبرد به عهده نیروی زمینی ارتش بود و این نیرو علیرغم گسترش یگان‌های خود در مواضع پدافندی، عملیات آفندی را با کمک سپاه طراحی و اجرا می‌کرد، در این سال مجموعاً ۵ عملیات در منطقه جنوب اجرا شد که عمده‌ترین آنها همان عملیات خیبر بود.

در سال چهارم جنگ سپاه پاسداران کماکان تفکر جدایی عملیات ارتش و سپاه را پیگیری کرد که عملی نگردید.

در این سال بود که فکر اولیه برای فتح بندر فاو عراق مطرح گردید که فقط در مرحله طراحی باقی ماند و به علت کمبود تجهیزات و وسایل مسکوت ماند.

به هر حال ادامه جنگ به صورت فرسایشی، مشخص‌ترین وضعیت جبهه‌ها پس از عملیات خیبر بود.

بخش چهارم - جنگ در سال پنجم (مهرماه ۶۳ - مهرماه ۶۴)

عملیات بدر

وضعیت کلی جنگ در سال‌های سوم و چهارم نشان می‌داد که علیرغم تلاش قوای خودی برای انجام یک حملهٔ سرنوشت ساز و تعیین کننده، جنگ حالت فرسایشی به خود گرفته است.

اهم اقدامات و فعالیت‌های رزمی در سال پنجم را می‌توان فهرستوار به شرح زیر بیان کرد:

ادامهٔ جنگ نفت‌کشها و در پاره‌ای موارد جنگ شهرها

تشدید فشارهای ابرقدرتهای شرق و غرب بر ایران و افزایش کمکهای نظامی شوروی (سابق) به عراق به ویژه در بخش نیروهای هوایی که این کشور را قادر می‌ساخت با سقف پروازی بالاتر از حداکثر برد سامانه‌های پدافند هوایی ایران به سادگی در آسمان تهران حضور یابند. کمکهای شوروی به عراق در واقع نوعی واکنش به مخالفت‌های ایران با اشغال افغانستان توسط شوروی و حمایت و پشتیبانی از مجاهدین افغان بود.

ایران با توجه به گسترش دامنه مخاصمات، تشدید جنگ نفت‌کشها و ادامه جنگ مقطعی شهرها و استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی، متقابلاً به مقاومت و حملات تهاجمی خود به عراق ادامه می‌داد و از سوی دیگر تحرکات و فعالیت‌های سیاسی از قبیل دید و بازدیدهای دیپلماتیک در سیاست خارجی ایران آغاز شد.

عملیات محدود آفندی در قالب وضعیت جنگ فرسایشی در نیمه اول سال پنجم هم ادامه یافت تا اینکه در اسفند سال ۱۳۶۳ عملیات آفندی بزرگ «بدر» که در واقع طرح تکامل یافته عملیات خیبر بود توسط قوای ایران بر علیه عراق در منطقه هورالهویزه انجام شد.

هدف عملیات بدر تسلط بر جادهٔ العماره - بصره که محور مواصلاتی اصلی و استراتژیک شمال، جنوب عراق بشمار می‌آید و دستیابی به پلهای بسیار با اهمیت آن موسوم به العزیر و القرنه روی رودخانه دجله بود که پیامد آن به قطع ارتباط زمینی شمال و مرکز عراق با منطقه جنوبی آن کشور به خصوص استان و بندر بصره می‌انجامید.

دشمن با کسب تجارب از عملیات خیبر و اینکه قوای ایران ممکن است بار دیگر از منطقهٔ هورها برای آفند غافلگیرانه به شمال شرق بصره استفاده نماید با استفاده از یگان‌های

پیاده - مکانیزه و زرهی به تشکیل قرارگاهی به نام فرماندهی شرق بصره مبادرت ورزیده و با استقرار پاسگاههای کمین در آبهای هور و لابلای نزارها و همچنین نصب دکلهای دیدبانی و ایجاد موانع و مین گذاری در داخل هور و کرانه غربی آن در صدد جلوگیری از غافلگیری خود و درهم شکستن آفند احتمالی قوای ایران بود.

نیروهای شرکت کننده خودی برای این عملیات عبارت بودند از سه لشکر و یک تیپ از نیروی زمینی ارتش به اضافه یگانهای هوانیروز و گروههای توپخانه و مهندسی و نیروی هوایی ارتش و همچنین بکارگیری هاورکرافت از نیروی دریایی برای حمل نیرو در آبهای هور و ایجاد سایت‌های پدافند هوایی موشکی بود. بنابر اطلاعات مندرج در مدارک منتشره سپاه، این نهاد شش لشکر و هفت تیپ از نیروهای بسیجی را در این عملیات بکار گرفته و جهادگران جهادسازندگی نیز پشتیبانی مهندسی رزمی را انجام می‌دادند.

خلاصه طرح عملیاتی عبارت بود از:

- تلاش اصلی آفندی در سه محور شمالی و مرکزی و جنوبی با عبور از هور برای

تصرف پلهای العزیر و القرنه روی رودخانه دجله

- محور طلائیه - نشوه عملیات در ۶۳/۱۲/۲۰ آغاز شد و حدود ۵ روز به طول انجامید.

رزمندگان اردوی ایران با رشادت و مهارت و با نصب پل شناور ابتکاری^۱ از جزیره مجنون شمالی و همچنین ترابری هلی‌برد از هور عبور کرده و به ساحل غربی پا نهادند و خاکریز دفاعی اول عراق را تصرف کرده و تلاش نمودند در منطقه شرق دجله پیشروی نمایند. جاده العماره - بصره زیر آتش نیروی اعزامی قرار گرفت و عناصری از یگانهای پیشرو توانستند در منطقه موسوم به حرمه در خمیدگی کیسه مانند رودخانه دجله در شمال پل القرنه، از این رودخانه عبور نموده و در کرانه غربی دجله پیاده شوند. لیکن اتکاء به عقبه آبی، نداشتن جاده‌های مواصلاتی و بروز مشکلات در ترابری و پشتیبانی و اجرای پاتکهای متوالی و سنگین زرهی دشمن سبب گردید که پس از شش روز نبرد و مقاومت دلیرانه نیروهای

۱. این پل از قطعات مجزا از جنس یونولیت که به هم وصل می‌شدند ساخته شده بود، تا نیازمندی به استفاده از قایق را برای حمل نیرو و تجهیزات کاهش داده و عبور از هور را تسریع نماید.

خودی کلیه مناطق متصرفی را تخلیه و به مواضع اولیه در جزایر مجنون و کرانه شرقی هور عقب‌نشینی نمایند البته پایگاه‌هایی در منطقه هور در تصرف رزمندگان ایران باقی ماند.

همزمان با اجرای عملیات بدر، نیروی هوایی عراق مناطق مسکونی تهران را هدف قرار داد و متقابلاً اولین سری از موشک‌های زمین به زمین ایران شهرهای مهم عراق را نشانه گرفتند و دامنه جنگ شهرها گسترش یافت و یکی از موشک‌های ایران به بانک مرکزی عراق به نام رافدین اصابت کرده و خسارات فراوانی به آن وارد کرد.

به طور کلی می‌توان گفت که در عملیات بدر، دشمن با بهره‌گیری مطلوب از زمین، نیروهای زرهی، آتش توپخانه صحرایی و نیروی هوایی همراه با بکارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی در سطح وسیع، توانست کنترل صحنه را نگه داشته و هجوم سنگین ایران را دفع نماید.

این عملیات به نیروهای خودی نشان داد که با وضعیت موجود پیروزی بزرگی را نمی‌توانند به سادگی در دسترس خود داشته باشند.

علاوه بر عملیات بزرگ بدر در سال پنجم جنگ، پنج عملیات آفندی محدود دیگر در جبهه جنوب به نام‌های قدس‌های ۱ تا ۵ بر علیه پایگاه‌های عراقی در منطقه هور انجام شد که منجر به وارد شدن تلفات و ضایعاتی به ارتش عراق گردید.

استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی در سطح گسترده و تلاش‌های ایران برای انعکاس جهانی این اقدام عراق، به تدریج و تا حدودی توانست افکار عمومی جهانیان را جلب کرده و شورای امنیت طی بیانیه‌ای کاربرد این نوع جنگ‌افزار را از سوی عراق را محکوم ساخت که عراق به شدت با آن مخالفت کرد و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق اعلام داشت «ما مجاز به استفاده از هر وسیله برای دفاع از خود هستیم».

در پایان اسفندماه این سال، «خاویر پرز دو کوئیار» دبیر کل وقت سازمان ملل یک طرح هشت ماده‌ای را جهت اظهار نظر به دولت‌های ایران و عراق ارائه کرد که طی آن از طرفین خواسته شده بود به صلح علاقه‌مندی نشان داده، آتش‌بس را پذیرفته و به ویژه از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی خودداری نمایند و همچنین حمله علیه هواپیماهای غیرنظامی و کشتیهای تجاری و نفت‌کش‌ها را متوقف و آماده مبادله اسرای جنگی باشند.

از نظر دولت ایران نکات مثبتی در این طرح وجود داشت و علاقه‌مندی خود را به صلح اعلام داشت. اما نهایتاً در سیر حوادث و تحولات سیاسی، نظامی، طرح هشت ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل متحد نیز راه به جایی نبرد. در اسفند ماه سال پنجم، حضرت امام راحل (ره) طرح سه نیرویی شدن سپاه پاسداران را تصویب نمودند.

در نگاه کلی به وضعیت جنگ در سال پنجم می‌توان گفت که ادامه برقراری توازن قدرت بین ایران و عراق مانع از آن می‌شد که جنگ به سرنوشت قطعی مورد انتظار ایران منتهی شود.

بخش پنجم - جنگ در سال ششم (مهرماه ۶۴ - مهرماه ۶۵)

عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)

در قبل گفته شد که در سالهای سوم، چهارم و پنجم جنگ، به نوعی توازن قوا بین ایران و عراق برقرار شده بود که در نتیجه این توازن، وضعیت عمومی جنگ حالت فرسایشی به خود گرفته بود.

ایرانیان از لحاظ روحیه و خستگی ناپذیری و تلاش برای کسب پیروزی و سرکوب شدید رژیم بعثی عراق، قدرتمند به نظر می‌رسیدند و نیروی نظامی ایران مصمم به درهم کوبیدن دشمن بود ولی فشارهای اقتصادی، سیاسی و مشکلات عظیم تأمین اقلام و قطعات مورد نیاز نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش و تجهیزات مورد نظر سپاه پاسداران سبب می‌گردید که توان رزمی نیروهای خودی در سطح مطلوب قرار نگیرد. از سوی دیگر عراق با دریافت کمکهای مالی و تجهیزاتی و اطلاعاتی هم از سوی کشورهای عربی و هم از سوی اردوگاه شرق و غرب به شدت حمایت می‌شد و ضعفهای عملیاتی خود را جبران می‌کرد. جنگ نفت‌کشها و فشار اقتصادی ناشی از آن، جنگ شهرها و تنگناهای تجهیزاتی ایران برای اقدامات تلافی جویانه و انتقامی مؤثر، و کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی توسط دشمن، توانایی‌های ایرانیان را برای کسب اهداف سیاسی نظامی استراتژیک خود کاهش می‌داد و بین اراده رزمی و میل جنگجویی قوای ایران و توان تجهیزاتی عراق توازن و تعادل را برقرار می‌کرد. در سالهای فوق‌الذکر، ایران سالی یک بار یک حمله بزرگ را می‌توانست تدارک

بینند که آنها هم نهایتاً در نتیجه این توازن قوا و علل دیگر نتوانستند به اهداف طرح‌ریزی شده آنطور که باید دست پیدا کنند.

در سال ششم جنگ فکر عبور از رودخانه اروند و تهدید بصره از سمت جنوب که در سال چهارم هم مطرح و به دلیل کمبودهای تجهیزاتی سرانجامی نیافته بود مجدداً در ذهن فرماندهان و طراحان عملیاتی به ویژه سپاه پاسداران قوت گرفت و این بار با ملاحظه وضعیت، عبور از اروند و تصرف شهر بندری فاو در منتهی‌الیه جنوبی عراق و تهدید بصره از سمت جنوب در دستور کار طراحی قرار گرفت که بالاخره پس از طرح‌ریزی آن به نام عملیات آفندی والفجر ۸ و تهیه و آمادگی نیروها، در ۶۴/۱۱/۲۰ به مرحله اجرا درآمد.

این عملیات در سه محور انجام شد. نخست در منطقه اروندکنار جهت تصرف شهر بندری فاو و حرکت از جاده ابوالخصیب به سمت شمال و به طرف بصره به عنوان تک اصلی، در این محور نیروهای غواص و قایق سوار سپاه پاسداران به عنوان نیروی خط شکن و لشکرهای پیاده در دو قرارگاه نوح و کربلا به دشمن یورش آورده و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز شامل قرارگاه رعد نیروی هوایی و پوشش فضای عملیات و پدافند زمین به هوا و همچنین گروه‌های رزمی هوانیروز برای پشتیبانی آتش، حمل نیرو، مهمات، تجهیزات و تخلیه مجروحین و به ویژه اختصاص بیش از ۵۰۰ قبضه توپ از انواع کالیبر، عملیات این محور را پشتیبانی می‌نمودند. نکته شایان ذکر قدرت چشمگیر آتش پشتیبانی بود که این تعداد جنگ‌افزار توپخانه با شلیک ده‌ها هزار گلوله به وجود آوردند.

در محور دوم، تک پشتیبانی محدودی توسط سپاه و بالاخره در محور سوم از شلمچه تا کوشک یعنی در یک امتداد ۵۰ کیلومتری حدود ۵ لشکر از نیروی زمینی در یک عملیات آفندی که در واقع تک پشتیبانی کل عملیات محسوب می‌شد در منطقه شرق بصره وارد عمل شدند.

عملیات تک اصلی با موفقیت و غافلگیری انجام شد و بندر فاو تصرف و پرچم پرافتخار ایران بر فراز آن برافراشته شد اما در محورهای پشتیبانی اگر چه هدفها تأمین نگردید ولی در درگیر کردن دشمن در این منطقه و تسهیل عملیات تک اصلی کاملاً مؤثر بود. اگر چه مرحله اول عملیات که تصرف سرپل در منطقه فاو و غرب رودخانه اروند بود با موفقیت انجام

شد (مساحت منطقه متصرفی حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع بود) ولی اهداف بعدی این عملیات که پیشروی به سوی بصره از سمت جنوب و بندر ام القصر به سمت غرب منطقه بود به علت مقاومت سرسختانه عراق و محدودیت تحرک و گسترش یگان‌های مانوری خودی به علت جنس و شکل زمین مقدور نگردید. متقابلاً تلاش عظیم عراق با ۷۵ روز پاتکهای مداوم برای بازپس‌گیری فاو نیز با ناکامی روبرو گردید که آتش توپخانه‌های مستقر در جزیره آبادان همراه با مقاومت رزمندگان نقش اساسی در دفع این پاتکها داشتند.

فعالیت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران چه از نظر پوشش هوایی منطقه، پشتیبانی آتش، حمل نیرو و تجهیزات، عکسبرداری هوایی و به ویژه عملیات پدافند زمین به هوا با روش ابتکاری عملیاتی که موجب سرنگونی بیش از ۶۰ فروند هواپیماهای دشمن گردید از جمله نکات جالب توجه نیروی خودی در عملیات فتح فاو و پدافند از آن می‌باشد. در عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) اقدامات مشروحه زیرین از حساسیت خاص در طرح‌ریزی و اجرا و نگهداری منطقه متصرفی برخوردار بوده‌اند که فهرست‌وار عبارتند از:

۱- جریان جذر و مد رودخانه اروند در شبانه روز که باعث تغییر و سرعت جریان آب رودخانه می‌گردد که مشکلات زیاد و متعددی را در عبور عرضی از آن چه بوسیله غواصان و چه با قایق و یا نصب پل سبب می‌گردد که در طرح‌ریزی عملیات لحاظ گردیدند.

۲- رعایت اصل تأمین و حفاظت اطلاعات بسیار شدید از لحظه آغاز طرح‌ریزی، تجمع نیروها، تهیه وسایل و تجهیزات، آمادگی و بالاخره زمان آغاز عملیات.

۳- آموزش غواصی به گروهی از بسیجیان و سپاهیان برای عبور از اروندرود به عنوان یگان‌های تازشی اولیه و غافلگیر کردن نیروهای عراق.

۴- نصب یک پل ثابت در رودخانه اروند به طول تقریبی یک کیلومتر از ساحل اروند کنار تا فاو که از نظر محاسبات مهندسی و فنی در ساخت و نصب آن، نکته‌ای بسیار در خور توجه است.

این پل که تقریباً دو - سه ماه پس از عملیات برای برقراری ارتباط زمینی بین ساحل اروند کنار در ایران با ساحل فاو در عراق زده شد توسط جهادگران جهادسازندگی در قرارگاه بعثت به سرپرستی آقای مهندس هاشم‌زاده انجام شد که لوله‌های بسیار بزرگ فلزی که در کارخانجات

لوله‌سازی اهواز ساخته می‌شد را به هم متصل کرده و در عرض رودخانه تا عمق قرار داده و روی آن را با خاک محکم کردند و به این ترتیب یک پل ثابت روی رودخانه ارونند نصب گردید زیرا استفاده از پل‌های شناور نظامی به علت عرض زیاد رودخانه ارونند امکان پذیر نبود. ساخت و نصب پل مزبور از دیدگاه مهندسی و فنی یک شاهکار محسوب می‌گردد اگرچه هزینه بسیار سنگین را نیز در بر داشت.

ایران توانست فاو را نگهداری نموده و ارتباط عراق را با شمال خلیج فارس تقریباً قطع نماید و ایران با کویت همسایه گردید که هر دو مسئله از دیدگاه ژئوپولیتیکی هم برای عراق و هم برای ایران و هم در صحنه معادلات سیاسی بین‌المللی حائز اهمیت بسیار بود. شایان ذکر است که اگر چه منطقه متصرفی نگهداری و تثبیت شد اما عدم توسعه آن به سمت بصره و بندر ام‌القصر و محصور ماندن سرپل از شمال و شرق توسط نیروهای عراقی و اتکاء نیروهای ایران به عقبه آبی خود (رودخانه ارونند) از دیدگاه‌های تاکتیکی و عملیاتی و استراتژیکی یک خطر محسوب می‌گردید.

استراتژی دفاع متحرک عراق (حملات آفندی محدود عراق)

ارتش عراق پس از ناامیدی از بازپس‌گیری فاو، به دلیل نگرانی از مواضع دفاعی خود در مقابل تهاجمات غافلگیرانه آتی ایران در صدد نوعی تجدید نظر در راهبرد دفاعی خود برآمد و برای تغییر وضعیت، در بعضی از مناطق شروع به آفند کرد که این استراتژی به نام «دفاع متحرک» معروف شده است.

این راهبرد جدید نظامی عراق در اسفندماه ۶۴ شروع و با تصرف مجدد مهران توسط عراق در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۵ خاتمه یافت. عراق در جریان عملیات موسوم به «پدافند متحرک» جمعاً یازده عملیات آفندی محدود انجام داد که نتیجه درخشان و سرنوشت‌سازی نداشت. پنج عملیات از عملیات مذکور در جبهه جنوب اجرا و در مردادماه ۱۳۶۵ مهران بازپس گرفته شد و عراق بار دیگر در لاک دفاعی فرو رفت.

در ششمین سال جنگ علاوه بر والفجر ۸ ایران هفت عملیات آفندی محدود دیگر انجام داد که همه جنبه فرسایشی داشتند و چهار عملیات آن در جبهه جنوب بود که از میان آنها عملیات کربلا ۳ (۶۵/۶/۱۰) برای تصرف اسکله الامیه را می‌توان نام برد.

چند روز پس از عملیات فاو، بنابر درخواست عراق و سایر اعضای اتحادیه عرب (اردن - تونس - مراکش - کویت - عربستان - یمن) شورای امنیت تشکیل جلسه داد که دو هفته طول کشید و دبیر کل و اعضای این اتحادیه در سخنرانیهای خود ایران را متجاوز خواندند. ایران در جلسات شورای امنیت شرکت نکرد ولی نظرات خود را از طریق دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرد.^۱

پنجم اسفندماه ۱۳۶۴ قطعنامه شماره ۵۸۲ شورای امنیت صادر شد که در واقع همان طرح پیشنهادی اتحادیه عرب بود این قطعنامه مانند قطعنامه‌های قبلی از معرفی مسبب جنگ خودداری و فقط طولانی شدن آن را موجب نگرانی اعلام کرده بود. این قطعنامه یک سال و ۹ ماه پس از قطعنامه ۵۵۲ صادر شد.

عراق اعلام کرد: چنانچه ایران قطعنامه ۵۸۲ را بدون قید و شرط قبول کند عراق نیز آن را می‌پذیرد ولی ایران اعلام کرد این قطعنامه ناقص، بی‌اعتبار و غیر قابل اجرا است و در شورای امنیت اعمال نفوذ می‌گردد زیرا شورا عراق را محکوم نکرده و مسئولیت جنگ به عهده شورا است.^۲

در یک ارزیابی کلی و با توجه به فتح فاو و تبعات سیاسی - جغرافیایی، نظامی ناشی از آن سال ششم جنگ را می‌توان سال تغییر توازن نظامی به سود ایران دانست.

بخش ششم - جنگ در سال هفتم (مهرماه ۶۵ - مهرماه ۶۶)

تغییر جبهه اصلی از جنوب به شمال

پس از فتح فاو و احساس تغییر توازن در جنگ به نفع ایران و آسیب‌پذیری خطوط دفاعی دشمن در مقابل تهاجم قوای خودی، طرح‌ریزی برای اجرای یک عملیات بزرگ با هدف یکسره کردن کار جنگ آغاز شد.

۱ و ۲: قطعنامه‌های مزبور و سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های تأثیرگذار فرمانتقه‌ای و منطقه‌ای در بخش عملکرد شورای امنیت در جنگ تحمیلی صفحه ۵۶۳ تشریح شده است.

برای این عملیات جدید، منطقه ابوالخصیب در کرانه غربی اروندرود و منطقه عمومی جنوب بصره انتخاب گردید تا اولاً شبه جزیره فاو به طور کامل تصرف شده و راه دریایی عراق از خور عبدالله مسدود گردد و ثانیاً بصره از جنوب به محاصره درآید.

کمیود نیروی مورد نیاز و کاستی تجهیزات و ضرورت تأمل تا بسیج تازه‌ای از نیروهای مردمی برای تأمین نیروی کافی و علل دیگر از جمله عواملی بودند تا اجرای عملیات به تأخیر افتد. به هر حال عملیات در ابوالخصیب که پیش‌بینی می‌شد سرنوشت جنگ را تعیین کند و به همین علت از قبل، والفجر ۱۰ نام گرفته بود در ۶۵/۱۰/۳ به مرحله اجرا در آمد، اما به علت هوشیاری دشمن و احتمالاً لو رفتن عملیات با واکنش شدید و حساب شده دشمن مواجه گردید و ناموفق شده و به کربلای ۴ تغییر نام یافت. بلافاصله پس از آن نیروی خودی با شناسایی نقاط ضعف دشمن ظرف ۱۳ روز عملیات بزرگ کربلای ۵ را طراحی و آماده اجرا کرد. در این عملیات نیروی خودی با حمله از شمال به جنوب، توانست پهلوی دشمن را شکافته و آرایش آن را در هم بریزد. این عملیات که در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۹ و با غافلگیری دشمن آغاز شد، ۲۰ روز به طول انجامید و خسارات و تلفات سنگینی بر عراق وارد نمود، اما قوای خودی به علت ضعف و کمیود نیرو و تجهیزات نتوانست به هدف اصلی خود یعنی بصره دست یابد. و سپاه پاسداران متحمل تلفات سنگینی شد به نحوی که از نظر سازماندهی یگان‌های بسیجی تازه نفس مورد نیاز دچار مشکل گردیده و توان لازم را برای عملیات بزرگتر بعدی تقریباً از دست داد.

شکستن خطوط دفاعی عراق در شرق بصره و عبور رزمندگان ایرانی از مواضع مستحکم پدافندی دشمن تحسین کارشناسان نظامی جهان را برانگیخت.

تنها دو روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵، یعنی، از تاریخ ۶۵/۱۰/۲۱ سومین مرحله از جنگ شهرها با بمباران سوسنگرد آغاز شد و به مدت ۴۲ روز ادامه یافت در این مرحله که ۶۶ شهر کشور، هدف بمباران هوایی و حملات موشکی دشمن قرار گرفت، مجموعاً ۳۰۵۰ نفر شهید و حدود یازده هزار نفر مجروح شدند.

در اولین دور از جنگ شهرها که از ۶۳/۱۲/۱۳ پس از آغاز عملیات بدر شروع و به مدت ۳۴ روز ادامه یافت، ۱۲۲۷ نفر شهید و حدود ۴۵۰۰ نفر مجروح شدند. دومین دور

جنگ شهرها از ۶۴/۳/۵ آغاز و ۱۹ روز ادامه یافت و در این مرحله ۵۷۰ تن شهید و حدود ۱۳۰۰ نفر مجروح شدند.

البته عراق قبل از این به کرات شهرهای اهواز، دزفول، شوش، آبادان، سوسنگرد، کرمانشاه و ... را مورد حملات موشکی، توپخانه و هواپیما قرار داده بود لیکن حمله هوایی عراق به تهران در اسفندماه ۱۳۶۳ و عملیات مقابله به مثل ایران موجب گردید که مجموعه اقدامات ایران و عراق در سه مرحله فوق‌الذکر به جنگ شهرها مشهور شود.

عراق اساساً از حمله به شهرها و مناطق مسکونی دو هدف را دنبال می‌کرد: ۱. جبران شکست نظامی در جبهه‌های نبرد؛ ۲. فشار روحی و روانی به مردم ایران. بنابراین هرگونه از سرگیری حملات هوایی به شهرها و یا تشدید و گسترش آن، نشان دهنده وضعیت نامطلوب نظامی عراق در جبهه‌های نبرد و تلاش برای بهبود آن تلقی می‌شد.

تداوم جنگ شهرها نتیجه مورد نظر عراق را در پی نداشت زیرا عملیات مقابله به مثل ایران، سبب می‌گردید که عراق به ناچار جنگ شهرها را متوقف نماید.

از دیگر موضوعات مهم در سال هفتم جنگ، تغییر جبهه اصلی از جنوب به شمال در فروردین‌ماه ۱۳۶۷ بود، زیرا محورهای وصولی به سمت بصره که می‌توانست مورد استفاده قوای ایران باشد بسته و تقریباً غیر قابل نفوذ شده بود، و دیگر آنکه سلطه ضعیف ارتش عراق بر کردستان عراق و قدرت نیروهای کرد معارض عراقی که با ایران همکاری می‌کردند سبب تسهیل عملیات نیروی ایران در شمال عراق می‌شد مضافاً بر اینکه شهر کرکوک که بعد از بغداد و بصره سومین شهر بزرگ عراق می‌باشد می‌توانست برای نیروهای ایران قابل وصول باشد.

در سال هفتم جنگ، خط مشی راهبردی عراق، برای فشار هرچه بیشتر قطع صدور نفت ایران بود و به این لحاظ حملات هوایی عراق علیه پایانه‌های نفتی و نفت‌کشهای حامل نفت صادراتی ایران تشدید گردید و صدور نفت ایران با اشکال مواجه شد و علاوه بر آن قیمت هر بشکه نفت به کمتر از ۱۰ دلار کاهش یافت و به این ترتیب وضعیت اقتصادی ایران رو به وخامت بیشتری گذاشت و به دلیل کمبود شدید ذخایر ارزی واردات کشور دچار مشکل گردید و اقشار مستضعف میانی جامعه با سختیهای روز افزونی مواجه شدند.

از دیگر رخداد‌های مهم در بُعد سیاسی جنگ در سال هفتم صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است.

دو ماه پس از عملیات کربلای ۴، ۵ و ۶ در اسفندماه ۱۳۶۵ تلاش‌های شورای امنیت برای تهیه و تنظیم قطعنامه‌ای که بتواند خواسته‌های ایران را نیز پوشش دهد آغاز شد که در پایان تیرماه ۱۳۶۶ به صدور قطعنامه معروف ۵۹۸ منجر گردید.

قطعنامه ۵۹۸ به گونه‌ای تنظیم و تهیه شده بود که اگرچه تا حدودی حقوق ایران را تأمین می‌کرد اما در عین حال تقدم و تأخر بندهای آن امکان محکوم کردن عراق را میسر نمی‌ساخت، بنابراین جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامه را منوط به اصلاح تقدم و تأخر بندهای آن کرد. عراق اگرچه قطعنامه را پذیرفته بود اما با اصلاح قطعنامه و جابجایی بندهای آن مخالفت کرد و همچنان بحث و گفتگو بر سر چگونگی اجرای قطعنامه ادامه یافت و ایران آن را نه رد و نه قبول می‌کرد و تلاش‌های دیپلماتیک ایران در سازمان ملل برای تعدیل قطعنامه ۵۹۸ و ممانعت از صدور قطعنامه مجدد علیه ایران معطوف شد.

در نیمه اول ۱۳۶۶ نیروی دریایی آمریکا به بهانه حمایت از امنیت کشتیرانی تجارتي بین‌المللی، به دعوت کویت به خلیج فارس وارد شد و تلاش آمریکا برای افزایش تحریم اقتصادی/ نظامی ایران نیز شدت گرفت.

شوروی نیز از دو جهت در صدد بهره‌برداری برآمد. از یک طرف با نزدیک شدن به عراق کوشید ثابت کند شوروی هم پیمان مطمئن‌تری است و از طرف دیگر با تقویت نیروی هوایی عراق و بمباران تهران به مسئولان جمهوری اسلامی تفهیم کند که برای عدم پاره‌ای موافقتها با سیاستهای شوروی باید غرامت سنگینی را پرداخت نماید.

در هفتمین سال جنگ قوای خودی علاوه بر کربلا ۴ و ۵ چهار عملیات آفندی محدود در جبهه‌های جنوب علیه دشمن انجام دادند که در مجموع این عملیات، بر نیروی انسانی و تجهیزات دشمن، ضایعات و خسارات قابل توجهی وارد شد.

به این ترتیب هفتمین سال جنگ در حالی پایان یافت که علی‌رغم تثبیت توازن نظامی به سود نسبی ایران کسب پیروزی بزرگ سرنوشت‌ساز مورد نظر میسر نگردیده و علاوه بر آن، دامنه فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران گسترش یافت و موانع و دشواریهای ادامه جنگ و فائق

آمدن بر این مشکلات و برخورداری از وضعیت مساعد برای خاتمه دادن به جنگ بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. در آغاز سال هفتم آقای هاشمی رفسنجانی که فرماندهی جنگ را بر عهده داشت اعلام کرده بودند که تلاش خواهد شد که این سال، سال تعیین سرنوشت جنگ باشد.

بخش هفتم - جنگ در سال هشتم (مهرماه ۶۶ - ۶۷/۵/۲۹)

پذیرش آتش بس

در پی تغییر صحنه اصلی جنگ از جنوب به شمال غرب نیمه اول سال هشتم جنگ، قوای خودی چهار حمله را علیه دشمن سازمان داد که منجر به تصرف پاره‌ای مناطق مانند ماووت و شهر حلبچه در کردستان عراق (منطقه عمومی سلیمانیه) در ۶۶/۱۲/۲۳ گردید.

پس از تصرف حلبچه، دور جدید جنگ شهرها علیه ایران آغاز شد و برای اولین بار موشکهای عراقی که بُرد آنها به کمک تکنسینهای خارجی به ویژه آلمان، آرژانتین و روس افزایش یافته بود به تهران اصابت کرد. آغاز دور جدید جنگ شهرها با بمباران شدید شیمیایی حلبچه توسط رژیم بعثی عراق همزمان بود.

در خلال این حوادث، گفت‌وگوهای سیاسی (دیپلماتیک) بر سر چگونگی اجرای قطعنامهٔ ۵۹۸ و تقدم و تأخر بندهای آن ادامه داشت.

در این سال، فشارهای سیاسی آمریکا و شوروی بر ایران شدت بیشتری یافت و اعمال تحریمهای اقتصادی و نظامی بر ایران، ظرفیت و توانایی کشور را در مقابله با عراق هرچه بیشتر تحلیل برد. در عوض عراق با دریافت کمکهای اطلاعاتی از آمریکا و کمکهای تسلیحاتی از شوروی و پاره‌ای کشورهای غربی، نیروهای مسلح خود را کاملاً تقویت نمود بطوریکه توازن قدرت نظامی به سود عراق تغییر کرد.

در فروردین‌ماه ۶۷ آمریکاییها به دو سکوی حفاری چاه نفت ایران در خلیج فارس حمله کردند و اندکی پس از آن در ۱۳۶۷/۱/۲۹ دو فروند ناو و یک فروند ناوچه نیروی دریایی ایران را در آبهای بندرعباس مورد حمله موشکی قرار دادند که تلفات و ضایعات سنگینی بر آنها وارد شد.

در ۶۷/۱/۲۸ عراقیها غافلگیرانه و پس از حمله گسترده شیمیایی به خطوط پدافندی ایران در فاو، با نیرویی در حدود ۱۰ لشکر به این منطقه یورش آوردند و این شهر سقوط کرد.

تغییر راهبرد نظامی عراق از تدافعی به تهاجمی، در اثر ضعف توان اقتصادی و نظامی ایران بود که از اعمال تحریمهای گسترده و انزوای سیاسی ناشی می‌شد و نقش اساسی را در تغییر توازن نظامی به سود عراق دربر داشت.

مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید، امری بسیار دشوار بود. ارتش عراق در تداوم تهاجمات خود در صبح چهارم خردادماه ۱۳۶۷ حمله به منطقه شلمچه در خوزستان را آغاز کرد که منجر به سقوط شلمچه گردید. در روزهای پایانی خردادماه ۱۳۶۷ شاخه نظامی گروهک منافقین (سازمان مجاهدین خلق) مستقر در خاک عراق با کمک ارتش عراق که آنها را تجهیز و سازمان داده بود به مهران و دهلران هجوم آوردند.

در خردادماه ۱۳۶۷ تهاجم نیروهای عراقی به جزایر مجنون در منطقه هورالعظیم آغاز شد که سقوط این جزایر را در پی داشت.

در مورد علل سقوط این مناطق می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

الف) توسعه توان رزمی عراق به نحوی چشمگیر؛

ب) عدم توسعه توان رزمی ایران متناسب با گسترش دامنه جنگ؛

پ) استفاده بی‌پروای عراق از سلاحهای شیمیایی.

در ۶۷/۴/۱۲ یک فروند هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس و در حالی که در کریدور بین‌المللی پرواز می‌کرد با دو فروند موشک که از رزمناو آمریکایی وینسنس شلیک شده بود سرنگون گردید که به شهادت بیش از دویست و نود نفر مسافر و خدمه پروازی آن منجر شد. این اقدام جنایت کارانه با درگیریهای قبلی خلیج فارس نشانه‌ای معنادار از تشدید بسیار خطیر تهدیدات و تخاصم آمریکا علیه ایران بود.

تداوم حملات عراق سبب گردید که مناطقی در محدوده جبهه میانی نیز به اشغال عراق درآید. در این مرحله و با احتمال هجوم محدود عراق به خوزستان، قوای خودی، شهر حلبچه را تخلیه کردند.

و در مجموع وضعیتی نگران کننده در جبهه‌ها برای نیروهای مسلح و مسؤولان نظام به وجود آمده بود.

با توجه به تهدیدات جدید و تشدید فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به خصوص از جانب آمریکا و شوروی و احتمال تداوم هر چه بیشتر تهاجمات عراق، امام خمینی (ره) با یک تصمیم ناگهانی اوضاع را دستخوش تغییر کرد و روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۲۷ جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را رسماً اعلام کرد. (یک سال و یک روز کم بعد از صدور آن)

سه روز پس از اعلام پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ از سوی ایران یعنی در ۶۷/۴/۳۱، ارتش عراق با هدف کسب امتیاز در مذاکرات آتش بس و چانه‌زنی در مذاکرات، تهاجم دیگری را در منطقه جنوب و در شمال خرمشهر به اجرا درآورد به نحوی که خرمشهر در آستانه سقوط قرار گرفت.

با صدور فرمان امام خمینی مبنی بر حضور هرچه سریع‌تر و هرچه بیشتر نیروهای بسیجی و مردمی در جبهه‌ها و مقابله با تهاجمات جدید رژیم بعثی، جنبش تازه‌ای در جبهه‌ها پدید آمد و نیروهای متجاوز به عقب رانده شدند.

در روز ۱۳۶۷/۵/۲۹ آتش بس رسمی به وسیلهٔ دبیرکل سازمان ملل اعلام شد و اندکی بعد نیروهای ناظر سازمان ملل (یونیماک) در مرز مشترک ایران و عراق مستقر شده و عملاً آتش بس بین دو کشور برقرار گردید، و مذاکرات طرفین با نظارت سازمان ملل متحد در سطح وزرای امور خارجه برای برقراری صلح و اجرای قطعنامهٔ ۵۹۸ آغاز گردید. و حالت نه صلح و نه جنگ بین ایران و عراق تا زمان سقوط رژیم صدام حسین ادامه یافت.

به طور کلی در سال هشتم جنگ، جمعاً نه عملیات آفندی در مقیاس متوسط و کوچک بر علیه نیروهای دشمن در سراسر جبهه‌ها به عمل آمد و در چهار ماه اول سال ۱۳۶۷ دشمن نیز هشت اقدام آفندی بزرگ علیه قوای خودی انجام داد که شرح و نتایج در این بخش (هفتم) بیان گردید.

نتایج نبردهای جبهه جنوبی^۱

(۱۳۶۷/۴/۲۷ تا ۱۳۶۱/۳/۳۱)

مناطق آزاد شده و تصرف شده

خاک عراق	۱۵۶۵ کیلومتر مربع
خاک ایران	۱۲۵۰ کیلومتر مربع

تلفات عراق (نفر)

کشته و زخمی	۲۳۰۰۰۰
اسیر	۱۴۷۶۳

خسارات عراق

فروند بالگرد انهدام	۳۲	فروند هواپیما انهدام	۱۱۶
دستگاه تانک و نفربر انهدام	۳۱۰۰	دستگاه تانک و نفربر غنیمت	۴۹۴
قبضه توپ غنیمت	۴۰	قبضه توپ انهدام	۲۴۰
دستگاه ادوات انهدام	۸۴۰	دستگاه ادوات غنیمت	۳۴۰
دستگاه وسایل مهندسی انهدام	۲۰	دستگاه وسایل مهندسی غنیمت	۲۱۰
دستگاه خودرو انهدام	۲۳۷۰	دستگاه خودرو غنیمت	۸۱۰

۱. به نقل از کتاب کارنامه عملیات زمینی چاپ سپاه پاسداران ص ۱۰۲

تجارب راهبردی

- ۱- اگرچه نیروی انسانی ایثارگر و با روحیه و انگیزه نقش محوری و اصلی را در جنگ ایفا می‌کند اما دارا بودن آموزش، تخصص و مهارت امری حیاتی و سرنوشت‌ساز است.
- ۲- نیروی انسانی ماهر، ورزیده و ایثارگر الزاماً بایستی مجهز به تجهیزات متناسب با توانایی‌های دشمن بوده و سامانه پایداری از آماد و پشتیبانی، در طول جنگ، عملیات را پشتیبانی نمایند.
- ۳- دیپلماسی و راهبرد سیاسی فعال و پویا و شناخت محیط بین‌المللی و تأثیرات آن بایستی با راهبرد نظامی همسو و همگام بوده و مدیریت عالی جنگ با تعامل این دو راهبرد جنگ را از آغاز تا پایان اداره نماید.
- ۴- کسب اطلاعات استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی از دشمن از واجبات جنگ است، فرمانده فاقد اطلاعات صحیح، مانند سربازی است که بدون تفنگ وارد جنگ می‌شود.
- ۵ - داشتن متحدین و دوستان استراتژیک منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در سرنوشت جنگ تعیین کننده است.
- ۶ - در جنگ کاربرد اصول جنگ و فراهم کردن توان رزمی برتر نسبت به دشمن اجتناب ناپذیر است.